

اشتباهات حزب ما

(از یادداشت های یک مبلغ Publicist)

جمعه- ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۷

انسان هر چه بیش تر به معنای «کنفرانس دموکراتیک» می اندیشد و هر چه بیش تر از خارج، به مسأله می نگرد بیش تر متقاعد می شود که شرکت حزب ما در آن اشتباه بود، باید آن را تحریم می کردیم. ممکن است بپرسند تحلیل گذشته چه سودی دارد؟ گذشته را که نمی توان ترمیم کرد. اما چنین اعتراضی به انتقاد از اشتباهات دیروز، آشکارا بی اساس است. ما همیشه تاکتیک های کسانی را که لحظه به لحظه و روز به روز زندگی می کنند محکوم کرده ایم و مارکسیست ها باید هم چنین کنند. پیروزی لحظه ای (موقتی) برای ما کافی نیست. به طور کلی نقشه هایی که فقط حساب یک دقیقه یا یک روز را می کنند برای ما کافی نیستند. همواره باید با مطالعه ی سلسله حوادث سیاسی در کلیتشان، در ارتباط علیه اشان و در نتایجشان، خود را بیازماییم. با تحلیل اشتباهات دیروز می آموزیم که امروز و فردا از اشتباه بپرهیزیم.

پیداست که در کشور انقلاب تازه ای در شرف تکوین است. انقلاب طبقات دیگری (طبقاتی غیر از آن ها که انقلاب ضدتزاری را برپا کردند). انقلاب در آن زمان، انقلاب کارگران، دهقانان و بورژوازی در ائتلاف با سرمایه ی مالی

انگلیس و فرانسه و بر علیه تزاریزیم بود. انقلابی که اکنون در حال نضج گرفتن است. انقلاب پرولتاریا و اکثریت دهقانان، مشخص تر بگویم دهقانان فقیر علیه بورژوازی و متحدش سرمایه ی مالی فرانسه و انگلیس، بر علیه دستگاه دولتی اش به سرکردگی «کرنسکی» بناپارتیست است.

در این جا ما چیزی درباره ی واقعیت هائی که دال (شاهد) بر ظهور انقلابی نوین هستند نخواهیم گفت. زیرا همان طور که از مقالات رابوچی پوت، ارگان مرکزی ما، بر می آید حزب ما قبلاً نظرات خود را در این مورد روشن کرده است. به نظر می رسد خیزش جدید انقلابی، پدیده ی عموماً به رسمیت شناخته شده از طرف حزب ما است. اطلاعات (data) درباره ی این روند بلوغ، البته، باید بیش تر خلاصه شود. اما این ها باید مضمون مقاله ی دیگری را تشکیل دهند.

الآن مهم تر این است که دقیق ترین توجهات را به فرق های طبقاتی دو انقلاب جلب کنیم و موقعیت سیاسی و وظایفمان را از نقطه نظر این واقعیت (فاکت) اساسی یعنی روابط طبقاتی بسنجیم. در نخستین انقلاب پیشتاز از کارگران و دهقانان یعنی پرولتاریا و قشرهای پیشرفته ی دهقانان تشکیل یافته بود.

این پیشتاز نه تنها بدترین عناصر بی ثبات خرده بورژوازی (دو دلی منشویک ها و ترودریک ها را در مورد مسأله ی جمهوری به یاد بیاورید.) بلکه حتی احزاب سلطنت طلب کادت ها و بورژوازی لیبرال را نیز به همراه خود کشید و به این ترتیب آن را به حزبی جمهوری خواه بدل ساخت، چرا چنین تغییری ممکن بود؟

برای این که تسلط اقتصادی همه چیز بورژوازی است و شکلی تسلط سیاسی از اهمیت بسیار کمی برخوردار است؛ بورژوازی به همان راحتی می تواند تحت یک جمهوری حکومت کند. حتی در جمهوری سلطه اش مطمئن تر است، به این معنا که تحت یک نظام سیاسی جمهوری هیچ تغییری در ترکیب دولت و یا ترکیب گروه بندی احزاب حاکم بر بورژوازی اثری ندارد.

شکی نیست که بورژوازی همیشه خواهان سلطنت بوده و خواهد بود، چرا که حمایت نظامی خشن تری که سازمان های (نهادهای) سلطنتی از سرمایه می کنند واضح تر و به سرمایه داران و زمینداران نزدیک تر (برایشان ملموس تر) است. با این همه بورژوازی همیشه و همه جا، زیر فشار شدید «از پایین» به جمهوری راضی شده است به شرطی که بتواند سلطه ی اقتصادی اش را حفظ کند.

رابطه ی پرولتاریا و دهقانان فقیر، یعنی اکثریت مردم، با بورژوازی و امپریالیزم (جهانی) متحدش چنان است که برایشان غیرممکن است که بورژوازی را همراه خود «ببرنده» مضافاً این که اقشار بالایی خرده بورژوازی و اقشار مرفه (تر) خرده بورژوازی دموکرات آشکارا مخالف انقلابی نو هستند این واقعیت چنان بدیهی است که احتیاجی ندارد در این جا مورد بحث واقع شود. لیبردان ها، تسره تلی ها و چرنف ها با وضوح تمام آن را تصویر می کنند. (نمایش می دهند).

روابط طبقاتی تغییر کرده اند. این اصل مطلب است.

اکنون طبقات دیگری «در این و آن طرف باریکاد» ایستاده اند.

اصل کار این است.

این و فقط این، دلیلی عملی برای صحبت کردن از انقلابی نوین است که (اگر کاملاً تتوریک بحث کنیم و مسأله را انتزاعی در نظر بگیریم) ممکن است به طریق قانونی انجام شود. اگر مثلاً مجلس مؤسسانی که به وسیله ی بورژوازی فراخوانده شده است اکثریتی بر علیه بورژوازی ایجاد کند. یعنی اگر اکثریت از آن احزاب کارگران و دهقانان بی چیز باشد.

شرایط عینی طبقات، نقش آن ها (اقتصادی و سیاسی) بیرون و درون نهادهای نمایندگی از این قبیل، اعتلا یا افت انقلاب؛ رابطه ی امکانات غیر پارلمانی با امکانات پارلمانی مبارزه. این ها واقعیت های عینی هستند که باید در نظر گرفته شوند تا تاکتیک تحریم یا شرکت (در پارلمان) از راهی مارکسیستی و نه دلبخواه و بنابر تعلقات (عاطفی) ما، برگزیده شود.

تجربه ی انقلاب ما طریقه ی برخورد مارکسیستی با مسأله ی تحریم را به وضوح به نمایش گذاشته است.

چرا تحریم دومای بولیگین تاکتیک صحیحی بود؟

برای این که با صف بندی عینی نیروهای اجتماعی در توسعه و تحولشان مطابقت داشت. و به انقلاب در حال بلوغ شعاری برای سرنگونی نظام قدیم، (نظامی که برای انحراف مردم از انقلاب، نهادی قلابی و برای سازش (دومای بولیگین) که هیچ نشانی از پارلمانتاریزم نداشت، فرا می خواند) می داد. امکانات غیر پارلمانی مبارزه ی پرولتاریا و دهقانان قوی تر بود. این ها عواملی بودند که در اتخاذ تاکتیک صحیح تحریم دومای بولیگین در نظر گرفته شدند، تاکتیک هایی که موقعیت عینی را نیز به حساب آوردند.

چرا تاکتیک تحریم دومای سوم غلط از آب در آمد؟

برای این که براساس «جذب‌ه‌ی» شعار تحریم و احساس انزجار از عکس‌العمل وحشیانه‌ی «پیگستی» در ۳ ژوئن استوار بود. با این حال موقعیت عینی حالتی از آن بود که از یکسو انقلاب در حال سقوط و نزول سریع بود و پایگاهی پارلمانی (حتی درون یک پیگستی) از اهمیت سیاسی عظیمی برخوردار بود، زیرا امکانات غیرپارلمانی تبلیغ، ترویج و سازماندهی تقریباً وجود خارجی نداشتند یا به غایت ضعیف بودند. از سوی دیگر طبیعت آشکار ارتجاعی دوما‌ی سوم مانع از آن نبود که دوما منعکس‌کننده‌ی روابط واقعی طبقاتی (یعنی ترکیب استولیبینی سلطنت و بورژوازی) باشد. این (رابطه‌ی طبقاتی جدید) چیزی بود که کشور باید از شرش خلاص می‌شد.

درست همین عوامل بودند که تاکتیک شرکت در دوما‌ی سوم را شکل دادند تاکتیکی که موقعیت عینی را خوب به حساب آورده بود.

کافی است به این درس‌های گرفته شده از تجربه و شرایط لازم از نظر یک برخورد مارکسیستی با مسأله‌ی تحریم یا شرکت بیاندیشیم تا دریابیم که شرکت در «کنفرانس دموکراتیک». انجمن دموکراتیک و یا پیش‌پارلمان تاکتیک غلطی است از یک طرف، انقلابی نوین نضج می‌گیرد. جنگ اوج می‌گیرد. امکانات تبلیغ و ترویج و سازماندهی غیرپارلمانی عالی است. بلندگوی «پارلمانی» در پیش‌پارلمان موجود بی‌اهمیت است. از طرف دیگر این پارلمان نه بازتاب و نه خدمتگزار رابطه‌ی طبقاتی جدیدی است. مثلاً، نمایندگی دهقانان در این پارلمان از نمایندگی آن‌ها در ارگان‌های هم‌اکنون موجود (شوراهای نمایندگان دهقانان) ضعیف‌تر است. پیش‌پارلمان ماهیتاً یک کلاهبرداری بناپارتی است. نه فقط از این رو که باند کثیف لیبردان‌ها،

تسره تلی ها و چرنف ها به همراه کرنسکی و شرکاء ترکیبی قلابی برای این دومای تسره تلی- بولیگین دستچین کرده اند، بلکه بیش تر به این علت اساسی تر که تنها هدف این پیش پارلمان فریب مردم است. فریب کارگران و دهقانان تا آن ها را از خیزش نوین انقلابی منحرف کند، تا دیدگان طبقات محکوم را محسور لباس نویی بکنند که بر تن همان ائتلاف بسیار آزموده گل آلود، نختاب و قدیمی؛ بورژوازی است (این است تبدیل تسره تلی و شرکاء به دلکسانی درباری، از طرف بورژوازی، که کمک می کنند مردم سلطه ی امپریالیزم و جنگ امپریالیستی را بپذیرند).

در اوت ۱۹۰۵ تزار به زمینداران فنودالش گفت: «الآن ما ضعیفیم، قدرتمان تحلیل می رود. موج انقلاب کارگران و دهقانان اوج می گیرد. باید این «مرد ساده لوح» را گول بزنیم. باید با گرداندن چیزی جلوی چشمش وسوسه اش کنیم.

تزار کنونی، کرنسکی بناپارتیست به کادت ها، تیست تیج های غیرحزبی، پلخانف، بر شکوسکایا و شرکاء می گوئیم الآن ما ضعیفیم، قدرتمان بی تمکین است. موجی از انقلاب کارگران و دهقانان علیه بورژوازی در حال برخاستن است. باید با زدن رنگ های تازه به رخت دلکیمی که رهبران «دموکراسی انقلابی» اس آر و منشویک، دوستان عزیز، آقایان تسره تلی ها و چرنف ها از ۶ ماه مه ۱۹۱۷ برای تحمیق مردم پوشیده اند دموکرات ها را بفرییم. به راحتی می توان با پیش پارلمانی وسوسه شان کرد.»

در ژوئن ۱۹۰۷ تزار به زمینداران فنودالش گفت: حالا قوی هستیم، موج انقلاب کارگران و دهقانان در حال پس رفتن است اما دیگر نمی توانیم مثل گذشته خود را حفظ کنیم، فریب تنها کفایت نمی کند. باید سیاست تازه ای در

روستا اتخاذ کنیم، باید اردوی اقتصادی و سیاسی جدیدی با گوجه‌ها و سلیوکوف‌ها (یعنی با بورژوازی) ایجاد کنیم.

ارانه‌ی این سه موقعیت: اوت ۱۹۰۵، سپتامبر ۱۹۱۷، و ژوئن ۱۹۰۷ به این طریق پایه‌ی عینی تاکتیک تحریم و ارتباطش با روابط طبقاتی را به طور زنده نمایش می‌دهد. طبقات مظلوم همواره به وسیله‌ی سرکوبگران فریب داده می‌شوند. اما معانی این فریفتن در لحظات مختلف تاریخ با هم فرق می‌کنند یک تاکتیک نمی‌تواند تنها براساس این واقعیت استوار باشد که حاکمین، مردم را فریب می‌دهند. تاکتیک باید بعد از تحلیل روابط طبقاتی در کل و توسعه‌ی مبارزه‌ی غیرپارلمانی و پارلمانی انتخاب شود.

شرکت در پیش پارلمان تاکتیک نادرستی است که با روابط عینی طبقاتی، شرایط عینی در این لحظه نمی‌خواند (مطابقت ندارد).

باید کنفرانس دموکراتیک را تحریم می‌کردیم؛ همه‌ی ما خطا کردیم (که شرکت کردیم) ولی خطا که جنایت نیست. این اشتباه را تصحیح خواهیم کرد فقط به این شرط که صمیمانه خواهان پشتیبانی از مبارزه‌ی انقلابی توده‌ها باشیم، و به اساس عینی تاکتیکمان جداً بیاندیشیم.

باید پیش پارلمان را تحریم کنیم. ترکش کنیم و به شوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان، به اتحادیه‌های کارگری، به عموم توده‌ها برویم. باید آن‌ها را به مبارزه فراخوانیم. باید به آن‌ها شعاری صحیح بدهیم؛ باند بنیپارتی کرنسکی و پیش پارلمان قلابی‌اش را به همراه دوما‌ی تسره‌تلی-بولیگین متفرق کنید منشویک‌ها و «سوسیالیست‌های انقلابی» پیشنهاد (سازش) ما را مبنی بر انتقال صلح‌آمیز قدرت به شوراهای (که آن وقت در آن‌ها اکثریت نداشتیم) حتی بعد از شورش کورنیلوف رد کردند؛ آن‌ها دوباره

به گنداب چانه زدن های پست و کثیف با کادت ها افتادند. مرک بر منشویک ها و اس آرها. علیه اشان بیرحمانه مبارزه کنید. از تمام سازمان های انقلابی بیرحمانه اخراجشان کنید. دیگر نه مذاکره ای و نه تماسی با دوستان کیشکین ها، دوستان زمینداران و سرمایه داران کورنیلوفی.

شنبه ۲۳ سپتامبر

تروتسکی طرفدار تحریم بود. درود به رفیق تروتسکی!

(تاکتیک) تحریم از طرف گروه بلشویک در کنفرانس دموکراتیک، رد شد.

زنده باد تحریم!

ما نمی توانیم و نباید تحت هیچ شرایطی به شرکت در کنفرانس رضایت دهیم. گروه شرکت کننده در یکی از کنفرانس ها بالاترین ارگان حزب نیست و تازه حتی تصمیمات بالاترین ارگان حزب نیز براساس تجربه قابل تجدیدنظر است. به هر قیمتی شده باید مسأله تحریم را هم در جلسه ی کامل کمیته ی اجرائی و هم در کنگره ی فوق العاده حزبی حل کنیم. مسأله ی تحریم باید تبدیل به سکوی انتخاباتی برای ورود به کنگره و در تمام انتخابات درون حزبی شود. باید توده ها را به بحث پیرامون این مسأله جلب کنیم. کارگران آگاه باید کنترل مسأله را بدست بگیرند، جلسات بحث ترتیب دهند و به «بالایی» ها فشار بیاورند.

کم ترین تردیدی نیست که در «بالای» حزب ما بی ثباتی های قابل ملاحظه ای وجود دارد می تواند مخرب باشد. زیرا وقتی مبارزه بسط می یابد تحت شرایطی معینی و در لحظه ای مسیر بی ثباتی ها ممکن است باعث تخریب (امر) Cause شوند.

باید تمام نیرویمان صرف مبارزه کنیم باید، تا دیر نشده، راه صحیح حزب انقلابی پرولتاریا را در پیش گیریم.

رهبان «پارلمانی» حزب ما چندان هم بی عیب و نقص نیستند. باید بیش تر مواظب آن ها بود و نظارت کارگران بر آن ها باید افزایش یابد و صلاحیت گروه های پارلمانی روشن تر تعریف شود.

اشتباه حزب ما روشن است. حزب مبارز طبقه ی پیشرو نباید از اشتباه بهراسد. آن چه هراس انگیز است اصرار در اشتباه، حاشای آن و تصحیح نکردن آن از روی شرمی کاذب است.

یک شنبه- ۲۴ سپتامبر

کنگره ی شوراها تا بیستم اکتبر به تعویق افتاده است. سرعت حوادث زندگی روسی چنان است که این به معنای معوق ماندن آن تا کالندهای یونانی (برای همیشه) است. مسخره بازی های اس آرها و منشویک ها بعد از ۲۱- ۲۰ آوریل برای دومین بار در حال تکرار شدن است.

ننین

جمعه- ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۷

ترجمه: نظم نوین، زمستان ۱۳۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵